تقریظها و انتقادها

1-منتخبات اشعار صائب

ز صد هزار سخنور که در جهان آید یکی چو صائب شوریده حال برخیزد

چندی بود که آقای کمالی مشغول جمع‏آوری و انتخاب اشعار صائب تبریزی بودند و در شماره 12 سال اول مجله آینده نیز مقاله‏ای‏ بقلم ایشان در شرح احوال و اشعارا ین شاعر درج گردید که در مقدمه‏ کتاب با بیان مفصلتری آنرا نقل کرده‏اند.البته بهتر بود که ذکری‏ از آن نقل میکردند.اگر چه مقاله مذکور و مقدمه این کتاب هر دو بقلم آقای کمالی است معهذا چون قبلا در مجله ما طبع شده بود بهتر بود که اشاره مینمودند.ما بیان این مطلب را برای آن لازم دانستیم که‏ در آتیه نویسندگان محترم نگارشهائی که در مجله آینده میفرمایند و بعد جائی دیگر نقل میکنند با ذکر«نقل از مجله آینده»باشد. همچنین مطلبی را که قبلا در جای دیگر طبع و نشر کرده‏اند اگر در ثانی بمجله ما میفرستند باید محل اول را یادآور شوند.

بهرحال زحمات آقای کمالی درا نتخاب اشعار صائب قابل تمجید و استفاده است چه صائب یکی از شعرائیست که دیوانش خیلی بزرک است‏ ولی مثل سعدی تمام اشعارش جالب توجه نیست.اشعار خوب لطیف و ممتازش تقریبا معدود و در آن دیوان جحیم ناپیداست و باسانی بنظر نمیرسد.انتخاب آقای کمالی دیوان صائب را از حیث کمیت کوچکتر ولی از جهت کیفیت مهمتر نموده است.از مقایسه دیوان صائب با منتخباتی‏ که آقای کمالی از آن کتاب کرده‏اند انسان متعجب میشود که چرا خود صائب و کلیه شعرا اشعار درجه سوم خود را معدود نمیکنند یعنی‏ از حجم دیوان خود نکاشته بر معنویت آن نمیافزایند.

منتخبات اشعار صائب محتوی 168 صفحه در مطبعه کل قشون‏ با کاغذ مرغوب بمباشرت کتابخانه شرق طبع و نشر گردیده و نسخه‏ای‏ از آن باداره ما رسیده است.برای نمونه از منتخبات مزبور در موقع‏ نگارش این سطور،کتابرا گشوده این دو شعر صائب نقل میشود:

یا رب از عرفان مرا پیمانه سرشار ده‏ چشم بینا جان آگاه و دل بیدار ده‏ مدتی گفتار بی‏کردار کردی مرحمت‏ روزگاری هم بمن کردار بی‏گفتار ده

2-فرهاد و شیرین وحشی

آقای کوهی مدیر«نسیم صبا»اخیرا همت بطبع کتابی گماشته‏ و آنرا منتشر نموده‏اند.کتاب مذکور مثنوی فرهاد و شیرین وحشی‏ افقی است که مقالاتی نیز در شرح احوال و اشعارش بقلم آقای یاسمی‏ در چند شماره ارسال اول مجله آینده منتشر شد.نگارنده نیز بطور حاشیه‏ و خاتمه سطری چند در توضیح پاره‏ای مطالب از جمله راجع بوطن وحشی‏ بر آن مقالات افزوده بودم.مقالات مذکوره باستثنای حاشیه‏ها مقدمه‏ کتاب جدید را تشکیل میدهد.بر خلاف مورد فوق در این‏جا«نقل از مجله آینده»قید شده است.اما راجع بقسمتهائی از آن مقالات که در مقدمه حذف شده بی‏سبب نبوده است.چون آقای کوهی کرمانی است‏ و کرمانیها اصراری دارندکه بافق یزد را که زمانی نیز جزو خاک کرمان‏ بوده جزو کرمان بدانند و وحشی را کرمانی بخوانند.باین واسط در مقدمه‏ کتاب آنچه دلیل یزدی بودن وحشی بوده حذف و بجای آن سطوری‏ اضافه شده است که ویرا کرمانی نموه است!ما حرفی نداریم و کرمانی بودن این شاعر را اهمیتی نمیدهیم چه در هرحال ایرانی است‏ و ما هم که از طرفداران جدی وحدت ملی هستیم با هرگونه علائم و احساس جدائی مخالفیم.اما در خصوص وطن وحشی همانطور که سابقا نوشتیم بافق وطن وحشی امروز جزو خاک یزد است و در زمان حیات‏ شاعر نیز که در زمان صفویه میزیسته در قلمرو یزد بوده است.در این بین یعنی زمان آذر بیکدلی نویسنده تذکره آتشکده و باعتبار قول‏ او بافق جزو کرمان بوده،ولی این دلیل نمیشود که ما وحشی را که‏ وطن او در زمان حیاتخودش و هم امروز که جزو یزد است کرمانی‏ بدانیم بخصوص که شاعر عمرش را در یزد گذارنیده اشعار شیرین عاشقانه- اش را در آنجا سروده و در آن شهر نیز فوت کرده و مدفون است. برای اینکه در این مورد کمترین شکی باقی نماند ما تاریخ جغرافیائی‏ این قصیه را برای یکی از شماره‏های آینده تهیه کرده درج مینمائیم.